



هشدار نبیه بری

رئیس پارلمان لبنان در واکنش به تحولات اخیر منطقه، نسبت به پیامدهای خطرناک پیروزی احتمالی رژیم صهیونیستی هشدار داد. «نبیه بری» رئیس پارلمان لبنان در گفت‌وگو با روزنامه «النهار» با اشاره به پیامدهای درگیری‌های اخیر در منطقه اعلام کرد: «اگر اسرائیل پیروز شود، تنها قدرت باقی‌مانده در منطقه خواهد بود.» وی با انتقاد از رفتار برخی کاربران لبنانی و غیرلبنانی در شبکه‌های اجتماعی که نسبت به اقدامات تجاوزکارانه تل آویو ابراز خوشحالی کرده‌اند، از آن‌ها خواست لحظه‌ای درنگ کرده و از این نوع شادی‌ها و نوشتارها پرهیز کنند. بری همچنین از موضع رسمی دولت لبنان در محکومیت حمله رژیم صهیونیستی به ایران تمجید کرد و آن را موضعی اصولی و شایسته در حمایت از ثبات منطقه‌اندست.



پیشنهاد اردوغان

یکی از روزنامه‌های ترکیه دیروز به نقل از منابع آگاه گزارش داد که اردوغان پیشنهاد کرده است که استانبول میزبان مذاکرات واشنگتن و تهران درباره برنامه هسته‌ای ایران باشد. دفتر ریاست جمهوری ترکیه اعلام کرد که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا روز دوشنبه با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران تلفنی گفت‌وگو کرد. طبق این گزارش، او به پزشکیان گفت که آنکارا آماده است «نقش تسهیل‌کننده را برای تضمین پایان سریع درگیری‌ها به عهده بگیرد.» روزنامه حریت از قول منابع آگاه نوشت، تمرکز این مذاکرات بر ضرورت از سرگیری مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا بود. این روزنامه در ادامه نوشت، زمانی که اردوغان برای اولین بار ایده دیدار ترامپ و پزشکیان در استانبول را برای گفت‌وگوهای سرن‌ مطرح کرد، رئیس‌جمهور ایالات متحده گفت که آماده است به ترکیه بپیاید.



به دنبال جنگ نیستیم

عضو شورای سیاسی حزب‌الله لبنان ادعاهای رژیم صهیونیستی درباره رصد تحرکات حزب‌الله برای ورود به جنگ ایران و این رژیم را رد کرد و آن را «بهانه‌ای دروغین» برای توجیه تجاوزات به لبنان خواند. «محمود قماطی» عضو شورای سیاسی حزب‌الله در گفت‌وگویی با رادیو «اسپوتنیک» تأکید کرد که حزب‌الله همچنان به بیانیه پیشین خود مبنی بر عدم ورود به درگیری نظامی میان ایران و رژیم صهیونیستی پایبند است. وی اظهار داشت: ادعای اسرائیل مبنی بر رصد تحرکات حزب‌الله جهت آمادگی برای ورود به جنگ، دروغی بیش نیست و صرفاً بهانه‌ای برای ادامه تجاوزات این رژیم علیه لبنان است. قماطی ضمن اعلام «همبستگی کامل» حزب‌الله با جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدامات اسرائیل، افزود: ما با دولت لبنان همکاری کامل داریم تا از هرگونه اقدامی که ممکن است موجب برهم‌زدن وضعیت داخلی یا نقض توافقات در مرزها شود، جلوگیری کنیم. وی همچنین با تأکید بر قدرت و انسجام جمهوری اسلامی ایران، گفت: ایران به اندازه‌ای قوی و مستحکم است که به حمایت نظامی نیازی ندارد، اما حمایت سیاسی، مردمی و رسانه‌ای از سوی ملت‌های منطقه در مقابله با اسرائیل امری ضروری است.

کریدور جدید از طریق عراق - برای حمله عمیق‌تر به خاک ایران سوءاستفاده کرد. تل آویو معتقد است که با عدم حمله به ایران در سال ۲۰۱۰ مرتکب اشتباه استراتژیک شده است. اکنون، سایت‌های هسته‌ای ایران مستحکم‌تر و دفاع آن قوی‌تر شده است. برخی از تحلیلگران اسرائیلی استدلال می‌کنند که اگر تهران به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد، این کشور و متحدانش جسورتر می‌شوند و اسرائیل را مجبور می‌کنند برای جلوگیری از یک تهدید واقعی وجودی اقدام کند.

جنگ فعلی اوج وسوسه چندین دهه‌ای نتانیاهاوست. رسانه‌های اسرائیلی اکنون ادعان می‌کنند که عملیات «شجاعت شیر»، دانشمندان، تأسیسات هسته‌ای، سایت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پرسنل نظامی ایران را هدف قرار می‌دهد. اما جاه‌طلبی عمیق‌تر است. طرح تغییر رژیم همانطور که توسط اندیشکده‌ها و برنامه‌ریزان استراتژیک اسرائیل مستند شده است، هدف بلندمدت رژیم است. اسرائیل به دنبال برچیدن جمهوری اسلامی، روی کار آوردن یک دولت دوست و درهم شکستن محور مقاومت است.

برخی دیگر از گام‌های رادیکال‌تری حمایت می‌کنند: حمله‌ای ویرانگر به مقامات سیاسی ایران همراه با حمله به زیرساخت‌های نفتی برای شعله‌ور کردن ناآرامی‌های داخلی. خطرات بسیار زیاد است، اما تل آویو این را به عنوان یک گشایش تاریخی می‌بیند. این دیگر یک جنگ سایه نیست. برای اولین بار، اسرائیل آشکارا به عمق خاک ایران حمله کرده و باعث تلاقی مستقیم شده است. قدرت‌های غربی برای دفاع از دولت اشغالگر عجله کرده‌اند، اما مسیر در حال تغییر است.

اسرائیل شرط می‌بندد که می‌تواند پاسخ ایران را تحمل کند، جمهوری اسلامی را در هم بشکند و معادلات قدرت غرب آسیا را برای دهه‌های آینده بازنویسی کند. اما ایران منزوی نیست و نتانیاها ممکن است پا را فراتر از حد خود گذاشته باشند. محور مقاومت - از حزب‌الله گرفته تا انصارالله و جناح‌های عراقی - اگر چه آسیب دیده و در جبهه‌های متعدد درگیر هستند، اما بسیج شده‌اند. منطقه برای رویارویی گسترده‌تری آماده می‌شود. نتانیاها دریچه‌ای می‌بیند. تهران نه‌تنها عبور از یک خط قرمز، بلکه عبور از خطوط قرمز متعدد را می‌بیند. بقیه غرب آسیا جنگی را می‌بینند که می‌تواند نقشه خاورمیانه را از نو ترسیم کند.



هسته‌ای ایران، ثابت‌قدم بوده است. در زمانی که حتی واشنگتن بر توافقات صلح و سازش با فلسطینی‌ها متمرکز بود، نتانیاها از قبل بر ایران متمرکز بود. او از توافق صلح با فلسطینی‌ها انتقاد می‌کرد اما پیوسته بر «تهدید ایران» تأکید داشت. در زمانی که این موضوع اولویت جهانی یا منطقه‌ای نداشت، نتانیاها تقریباً به تنهایی در مورد جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران هشدار می‌داد.

در اوایل دهه ۲۰۰۰، در حالی که آریل شارون، نخست‌وزیر اسرائیل، بر سرکوب انتفاضه الاقصی و آنچه او «تروریسم فلسطینی» می‌نامید، تمرکز داشت، نتانیاها همزمان در مورد برنامه هسته‌ای ایران هشدار می‌داد. شارون ایران را یک مشکل بین‌المللی می‌دانست که باید به صورت جهانی حل شود، اما نتانیاها به دنبال رویارویی یکجانبه بود. نتانیاها همیشه می‌خواست ردپای خود را در تاریخ یهود به جا بگذارد و به عنوان رهبری که «تهدید هسته‌ای ایران» را خنثی کرد، به یاد آورده شود.

طرح‌های خنثی‌شده

تا سال ۲۰۱۰، نتانیاها و وزیر دفاع وقت، ایهود باراک، به ارتش اسرائیل دستور دادند تا حمایتی را علیه سایت‌های هسته‌ای ایران و ترور دانشمندان ایرانی آماده کنند. این عملیات تنها به این دلیل متوقف شد که رهبران امنیتی کلیدی واکنش نشان دادند: گلبی اشکنازی، رئیس ستاد کل، یووال دیسکین، رئیس شین بت، و منیر داگان، رئیس موساد، همگی هشدار دادند که اسرائیل فاقد ظرفیت نظامی برای حمله به ایران بدون حمایت ایالات متحده است.

دولت اوپاما، که توسط باراک هشدار داده شده بود، به سمت دیپلماسی چرخید و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را با تهران امضا کرد. نتانیاها خشمگین شد. اما رویای بمباران ایران هرگز از بین نرفت. او این تلاش را در صحنه بین‌المللی ادامه داد؛ حتی از مجمع عمومی سازمان ملل برای نمایش کارتون‌ی از یک بمب استفاده کرد و به ایران هشدار داد که از خط قرمز در غنی‌سازی اورانیوم عبور می‌کند.

در طول دوره اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ، نتانیاها پس از افشای «بایگانی هسته‌ای در دیده‌شده» ایران، موفق شد او را متقاعد کند که از توافق هسته‌ای خارج شود. نتانیاها برای حفظ شتاب سیاسی و نظامی، به ارتش دستور داد تا بدون کمک خارجی برای حمله به ایران آماده شوند و به شعاری که اغلب تکرار می‌کند، استناد کرد: «سرنوشت تنها کشور یهودی در جهان را نمی‌توان به غریبه‌ها سپرد، حتی اگر آنها متحدان ما باشند.» سپس تل آویو قتل‌های هدفمند و حملات سایبری را افزایش داد. ترور محسن فخری‌زاده (که از سال ۲۰۰۹ در فهرست ترور موساد بود)، دانشمند ارشد هسته‌ای ایران، در سال ۲۰۲۰ یک پیام بود: جنگ اسرائیل علیه ایران وارد مرحله جدیدی شده است.

رویارویی اسرائیل و ایران هرگز متوقف نشده است. نتانیاها همچنان معمار این درگیری است. حتی پس از آنکه بنت، نخست‌وزیر سابق اسرائیل، رهبر مخالفان در کنست در دولت نفتالی بنت-یائیر لاپید شد، از موضع نتانیاها حمایت کرد و اظهار داشت که «هزار ضربه» باید به «سر محور» - یعنی ایران - وارد شود. بنابراین، نتانیاها پرونده ایران را در زندگی سیاسی روزمره اسرائیل ریشه دوانده است؛ هیچ نخست‌وزیری نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.

از جنگ پنهان تا رویارویی آشکار

عملیات توفان الاقصی به رهبری حماس، ترس اسرائیل را عمیق‌تر کرد. تل آویو با تشدید تنش در جبهه‌های مختلف پاسخ داد: غزه، لبنان، سوریه، یمن و به‌طور پنهانی، ایران. دولت اشغالگر از تغییرات منطقه‌ای - تضعیف دفاع هوایی سوریه و ایجاد یک

همان اندازه ناآگاهانه دارد: صدام حسین، رئیس‌جمهور سابق عراق، در دهه ۱۹۸۰ اشتباه مشابهی مرتکب شد. اما وحدت سیاسی ایران در مواجهه با تهدیدات خارجی بارها نشان داده شده است. حتی بخش‌هایی از جامعه که منتقد جمهوری اسلامی هستند، هنگام مواجهه با تجاوز خارجی، صفوف خود را بسته‌اند. این یک ملی‌گرایی است که نه از تبلیغات دولتی، بلکه از حافظه جمعی جنگ‌ها، تهاجم‌ها و انزوا ساخته شده است. تل آویو در عرض سه روز کوتاه، ۲۲۴ تبعه ایرانی، که اکثر آنها غیرنظامی بودند را کشته و چندین ساختمان مسکونی را به ویرانه تبدیل کرده است. این سطح از تحریک عواقیی دارد. در این درگیری، بازدارندگی ایران نه‌تنها نظامی است، بلکه اجتماعی نیز هست.

جنگی که هنوز سر نوشت آن مشخص نشده است

تاکنون، اوضاع همچنان سیال است. کارزار تل آویو باعث واکنش سریع ایران، چه در لفاظی و چه در عمل، شده است. اما بیش از آن، محدودیت‌های دکتربین نظامی اسرائیل را در مواجهه با یک بازیگر دولتی با دفاع عمیق - و حتی ناشناخته - و جمعیتی بسیج شده، آشکار کرده است.

متحدان غربی تل آویو، که زمانی در طول ماه‌ها حملات اسرائیل به غزه و حملات اخیر آن به ایران، به‌صورت بیانیه‌های خاموش پسندیده می‌کردند، از آن زمان به دیپلماسی فعال روی آورده‌اند. واشنگتن اکنون در تلاش است تا از یک آتش‌سوزی منطقه‌ای جلوگیری کند. آنچه زمانی حمایت متغلاانه بود، اکنون به میانجیگری فعال تبدیل شده است. زیرا تل آویو تلاش می‌کند تا واشنگتن را بیشتر درگیر رویارویی خود با ایران کند. در همین حال، نتانیاها هنوز به دنبال جنگی گسترده‌تر برای حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران با زور است و هدفش تغییر کامل رژیم است. هدف اسرائیل آشکارا کشتاندن آمریکا به یک کارزار نظامی است که می‌تواند به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران آسیب برساند و قدرت نظامی آن را تضعیف کند اما تهران خط قرمز خود را کشیده است. همانطور که عزیز نصیرزاده، وزیر دفاع ایران، بلافاصله پس از حملات اسرائیل هشدار داد: «ما کاملاً آماده‌ایم و از نیروهای عملیاتی خود به هر طریقی که بتوانیم حمایت خواهیم کرد. ما برای سال‌ها نبرد مداوم آماده‌ایم و نیروهای مسلح کاملاً مجهز هستند.»

مانند هر درگیری دیگری، نتایج نامشخص است. با این حال، اینکه آیا این درگیری به یک جنگ گسترده‌تر تبدیل می‌شود یا به یک بن‌بست منطقه‌ای دیگر تبدیل می‌شود، کمتر به اسرائیل و بیشتر به این بستگی دارد که آیا ایالات متحده حاضر است تل آویو را در این آتش دنبال کند یا خیر؟ از دهه ۱۹۹۰، بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل، در هدف استراتژیک خود، یعنی متوقف کردن برنامه

باتی اسرائیل درباره ایران صدق نمی‌کند

